خرید آنلاین در gajmarket.com

واژه‌نامه

چراغدان: جایی یا ظرفی که در آن چراغ بگذارند.
چارپا: چهارپا، حیواناتی که چهار دست و پا دارند مثل اسب، شتر و...
هیاهو: هنگامه، غوغا، بانگ و فریاد
گنج حکمت (تجسّم عشق)
تجسّم: در نظر آوردن، خیالی را واقعیت دادن
برزیگر: دهقان، کشاورز
شوق: میل، رغبت
تهی: خالی
مِهر: محبت
زنهار: آگاه باش، بر حذر باش
واستاندن: گرفتن

معنی متن

صفحهٔ ۱۴۲ و ۱۴۳ کتاب‌درسی

از شعله
به خاطر روشنایی‌اش
سپاسگزاری کن،
اما چراغدان را هم
که همیشه صبورانه در سایه می‌ایستد
از یاد مبر.

از همهٔ کسانی که با روشنگری خود، تو را یاری می‌کنند سپاسگزاری کن ولی کسانی را نیز که با پشتیبانی و حمایت‌های خود زمینه را برای روشنگران یاریگر فراهم می‌کنند، فراموش نکن.

آرایه◁ شعله: نماد روشنگری- استعاره از افراد خیرخواه و روشنگر / چراغدان: استعاره از حامیان گمنام و بی‌ادعای روشنگران جامعه / شعله، روشنایی، چراغدان: مراعات‌نظیر / واج‌آرایی حرف «س و ص» که صدای /س/ دارند.

گریه کنی اگر
که آفتاب را ندیده‌ای
ستاره‌ها را هم
نمی‌بینی.

اگر با ناسپاسی منتظر رسیدن موقعیت‌های خاص و طلایی باشی و از نبودن این‌گونه فرصت‌های طلایی گله کنی، توانایی دیدن فرصت‌های کوچک را که زمینهٔ رسیدن به موفقیت‌های بزرگ هستند، از دست می‌دهی.

آرایه◁ آفتاب: استعاره از فرصت‌های طلایی و خاص / ستاره: استعاره از فرصت‌های کوچک / آفتاب، ستاره: مراعات‌نظیر

@cipbooks قبل از استفاده حتما در کانال سی آی پی بوکس عضو شوید